

مسائل حج

«حج» یک آزمون بزرگ الهی و زمینه‌ساز تحول معنوی و تحرک باطنی و وسیله سیر و سلوک حج‌گزاران از قفس «نفسانیت» به سوی «خدا» می‌باشد. حضرت امیر 7 در خطبه قاصعه نهج‌البلاغه، حج را یکی از ابواب رحمت الهی و اسباب خودسازی انسانها و تهذیب نفوس از صفات رذیله شمرده‌اند^۱ و در خطبه اول، آن را مظهر تواضع مردم در برابر عظمت خداوند و اذعان و اعتراف آنان در برابر عزت و بزرگواری او دانسته و خانه کعبه را پرچم و علم اسلام و حرم امن پناهندگان به ساحت ربوبی به حساب آورده‌اند.^۲ پس شایسته است کسی که قصد بجا آوردن این فریضه بزرگ را دارد، همان گونه که حضرت امام صادق(ع) فرموده‌اند، دل خود را متوجه خدا نماید و آن را از هر مشغول کننده و بازدارنده‌ای نگاه دارد و همه کارهای خود را به پروردگار واگذارد و در همه امور بر او توکل نماید و تسلیم قضا و قدر او شود و با مظاهر دنیوی و از هر آنچه غیر خداست وداع نماید.

اما اهداف حج به این خلاصه نمی‌شود، بلکه از قرآن کریم و روایات اهل بیت عصمت (ع) استفاده می‌شود که حج علاوه بر آثار معنوی و جاذبه‌های روحی، دارای منافع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز برای مسلمانان می‌باشد. در قرآن کریم آمده است که: «خداوند کعبه را وسیله قوام و قیام مردم قرار داده است»،^۳ مظاهر قوام یک ملت همانا استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز وحدت، حرکت، عزت و معنویت آن ملت است که در این آیه شریفه، کعبه وسیله نیل به این هدف شمرده شده است، همچنین حضرت امام صادق (ع) در روایتی درباره فلسفه حج می‌فرمایند: «خداوند در تشریح فریضه حج، مردم را به چیزی مأمور ساخت که علاوه بر تعبد و اطاعت دینی، مشتمل بر مصالح و منافع دنیوی نیز می‌باشد، پس اجتماع و گردهمایی مسلمانان را با داشتن ملیتهای مختلف از شرق و غرب عالم در مراسم حج واجب کرد تا مسلمانان یکدیگر را بشناسند و هر یک از داد و ستد با دیگری بهره‌مند گردد و طبقات مردم در سایه این رفت و آمد از یکدیگر استفاده کنند، همچنین آثار و اخبار پیامبر اکرم (ص) و دستورات اسلامی شناخته شود و فراموش نگردد. و اگر زمینه شناخت ملتها و تبادل فکری و انتقال منافع و دستاوردها فراهم نمی‌شد و هر ملتی تنها روی منافع و مصالح خود سخن می‌گفت و از سایر ملتها غفلت می‌ورزید، یقیناً ملتها هلاک می‌شدند و شهرها ویران می‌گردید و اقتصاد از هم می‌پاشید و اخبار و آثار پیامبر اکرم(ع) منتشر

۱. نهج البلاغه عبده، خطبه ۱۹۲ خطبه قاصعه.

۲. نهج البلاغه عبده، خطبه اول.

۳. مانده ۵: ۹۷.

نمی‌شد و شما امروز از آنها اثری نمی‌دیدید»^۱.

شرایط وجوب حج:

(مسئله ۱) کسی که شرایط زیر را دارا باشد واجب است در تمام عمر یک مرتبه

حج را بجا آورد:

۱- «بالغ» باشد، پس بر بچه واجب نیست.

۲ و ۳- «عقل» و «آزاد» باشد.

۴- به واسطه رفتن به حج مجبور نشود کار حرامی را که اهمیت ترک آن در شرع از حج

بیشتر است انجام دهد یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است ترک کند.

۵- «مستطیع» باشد؛ یعنی توانایی برای رفتن به حج را داشته باشد.

(مسئله ۲) شرایط استطاعت و توانایی عبارت است از:

۱- داشتن هزینه سفر و آنچه به حسب حالش در راه مورد نیاز است به اندازه کافی.

۲- داشتن مخارج افراد تحت تکفل خود تا هنگام بازگشت.

۳- سلامت مزاج و توانایی انجام اعمال حج.

۴- نبودن مانع در رفت و برگشت، پس اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه جان

یا آبرو و یا مال مهم او در معرض خطر باشد حج بر او واجب نیست، ولی اگر بتواند از راه

دیگری برود، اگر چه دورتر باشد، در صورتی که مشقت زیاد نداشته و خیلی

غیر متعارف نباشد باید از آن را برود.

۵- داشتن وقت کافی به اندازه انجام اعمال حج.

۶- در اثر رفتن به حج مال یا ملک یا کسب و پیشه‌ای را که برای ادامه معاش خود و افراد تحت تکفل

خود دارد از دست ندهد، پس اگر با رفتن به حج مجبور شود مثلاً زمین

کشاورزی خود را بفروشد یا سرمایه و یا منبع درآمد خود را که مورد احتیاج اوست

صرف حج کند و پس از بازگشت چیزی که با آن کسب کند نداشته باشد مستطیع نیست.

(مسئله ۳) کسی که بدون داشتن خانه ملکی نیاز او برطرف نمی‌شود و به مشقت

می‌افتد، وقتی حج بر او واجب می‌شود که پول خانه را هم داشته باشد.

(مسئله ۴) زنی که می‌تواند به حج برود اگر بعد از بازگشتن مالی از خود نداشته

باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و نتواند مخارج او را بدهد و ناچار شود که به سختی

زندگی کند، حج بر او واجب نیست، ولی اگر شوهرش تمکن دارد و مخارج او را می‌دهد

با داشتن هزینه رفت و برگشت مستطیع می‌شود.

(مسئله ۵) کسی که در راه حج برای خدمت یا رانندگی یا خبرنگاری و امثال اینها

^۱. وسائل الشیعة، کتاب الحج، باب ۱ از ابواب «وجوب الحج و شرائطه»، حدیث ۱۸.

اجیر می‌شود، یا به عنوان روحانی کاروان یا ناظر یا پزشک یا پرستار و یا عناوین دیگر او را به حج می‌برند و می‌تواند با انجام کارش بدون زحمت حج کامل را بجا آورد و هزینه افراد تحت تکفل خود را نیز تا هنگام بازگشت دارد، پس از پذیرفتن این قبیل خدمات حج بر او واجب می‌شود و در این قبیل افراد لازم نیست بعد از برگشتن، سرمایه و ملکی داشته باشند.

(مسئله ۶) اگر مخارج رفت و برگشت سفر حج و مخارج عائله کسی را در مدتی که به حج می‌رود و بر می‌گردد به او بدهند که حج بجا آورد، ولی ملک او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد از او پس نمی‌گیرند حج بر او واجب می‌شود، همچنین اگر این مخارج را به او ببخشند و شرط کنند که حج بجا آورد، بنا بر احتیاط واجب باید قبول نماید و حج بر او واجب می‌شود، هر چند قرض داشته باشد و موقع برگشتن مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد، ولی اگر قبول بخشش برای او مستلزم ذلت و خواری باشد قبول آن واجب نیست.

(مسئله ۷) کسی که مخارج او را داده‌اند و حج بر او واجب شده و آن را بجا آورده، چنانچه مالی از خود پیدا کند لازم نیست دوباره به حج برود، هر چند احوط است.

(مسئله ۸) میزان در وجوب حج، استطاعت از جایی است که فعلاً در آنجا می‌باشد، پس اگر کسی در وطن خود سکونت دارد و در آنجا مستطیع نیست حج بر او واجب نمی‌باشد، هر چند به مقدار حج میقاتی^۱ مال داشته باشد، ولی اگر برای کاری به میقات رفت یا مثلاً برای تجارت به جده رفت و در آنجا استطاعت حج را با همه شرایط آن پیدا کرد، حج بر او واجب می‌شود و از حَجَّةِ الْإِسْلَام کفایت می‌کند.

(مسئله ۹) اگر از طرف دولت برای حج در سالهای آینده ثبت نام می‌کنند و راهی برای حج جز این طریق نیست، کسانی که هنگام ثبت نام، استطاعت مالی دارند واجب است اسم خود را بنویسند، هر چند در همان سال قرعه به نامشان اصابت نکند. و اگر کوتاهی نمایند و ثبت نام نکنند حج بر آنان ثابت شده است، بلکه اگر کسی فعلاً استطاعت مالی ندارد، ولی می‌داند که به زودی مستطیع می‌شود و در آن وقت دیگر ثبت نام نمی‌کنند، در این صورت هم اگر می‌تواند باید اسم خود را بنویسد.

(مسئله ۱۰) اگر کسی مستطیع شود و حج بجا نیآورد و بعد فقیر شود، باید گرچه به زحمت باشد بعداً حج بجا آورد. و اگر به هیچ قسم نتوان حج برود، چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند باید به مکه برود و حج کسی را که برای او اجیر شده بجا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید، ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد انجام شود، باید

^۱. «حج میقاتی» به حجی می‌گویند که کسی برای خود یا به نیابت دیگری از میقات قصد حج کند؛ در مقابل «حج بلدی» که انسان برای خود یا به نیابت دیگری از بلد و شهر خود به قصد حج حرکت می‌کند.

سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده حج نماید.

(مسئله ۱۱) اگر در سال اولی که مستطیع شده بدون سستی و تأخیر به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده‌اند به عرفات و مشعرالحرام نرسد، چنانچه در سالهای بعد مستطیع نباشد حج بر او واجب نیست، ولی اگر از سالهای پیش مستطیع بوده و نرفته، اگر چه به زحمت باشد باید حج بجا آورد.

(مسئله ۱۲) اگر در سال اولی که مستطیع شده به حج نرود و بعد فقیر شود یا به واسطه پیری یا بیماری یا عذر دیگری نتواند حج را بجا آورد و از اینکه خودش در آینده بتواند به حج برود ناامید باشد، باید نایب بگیرد، بلکه اگر در همان سالی که مستطیع شده از رفتن به حج ناتوان باشد و از اینکه در آینده بتواند انجام دهد نیز ناامید باشد بنا بر احتیاط واجب باید نایب بگیرد.

نیابت در حج:

(مسئله ۱۳) کسی که حج بر او واجب شده چنانچه آثار مرگ در او ظاهر شود، باید وصیت کند که به جای او حج بجا آورند و اگر از دنیا برود مخارج حج به مقدار حج از میقات از اصل مال او برداشته می‌شود. و اگر نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد همه مخارج از اصل مال او برداشته می‌شود، ولی اگر وصیت کرده باشد که از یک سوم دارایی او بردارند از یک سوم آن برداشته می‌شود.

(مسئله ۱۴) در «نایب» چند شرط معتبر است:

- ۱- بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.
- ۲- عاقل باشد.
- ۳- شیعه اثنی عشری باشد.
- ۴- مورد وثوق و اطمینان باشد که اعمال را صحیح انجام می‌دهد.
- ۵- هنگام نایب شدن اجمالاً اعمال و احکام حج را بداند.
- ۶- در آن سال حج واجب به عهده خودش نباشد.
- ۷- از انجام حج یا بعضی از اعمال آن معذور و ناتوان نباشد و اگر اجیر شود تا از طرف دیگری حج بجا آورد و خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خود بفرستد، باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

(مسئله ۱۵) نیابت زن و مرد از یکدیگر جایز است، همچنین «صَروَره»؛ یعنی کسی که تا حال حج بجا نیاورده می‌تواند نایب شود. و کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده باید طواف نساء را از طرف او بجا آورد و اگر بجانیورد همسر (زن باشد یا مرد) بر اجیر حرام می‌شود.

اقسام حج:

(مسأله ۱۶) حج بر سه قسم است: حج تمتع، حج افراد و حج قران.

«حج تمتع» وظیفه کسی است که فاصله وطنش تا مکه معظمه شانزده فرسخ (۹۲ کیلومتر) یا بیشتر باشد، «حج افراد» و «حج قران» نیز وظیفه کسی است که اهل خود مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشد. البته در بعضی از موارد وظیفه برخی افراد بیمار یا معذور از حج تمتع به حج افراد تبدیل می شود.

هر سه قسم حج در بیشتر اعمال مشترک هستند، ولی در حج تمتع عمره پیش از حج و وابسته به حج و همچون جزئی از آن می باشد که باید در یک سال و در ماههای حج بجا آورده شود، ولی در حج افراد و حج قران عمره کاملاً مستقل و از حج جداست. همچنین در حج تمتع در روز عید قربان در منی قربانی واجب است و از اعمال آن می باشد و در حج قران قربانی از ابتدا مقرون با احرام است و باید تا روز عید در منی همراه باشد، ولی در حج افراد اصلاً قربانی واجب نیست.

صورت حج تمتع

«حج تمتع» مرکب از دو عمل عبادی «عمره تمتع» و «حج تمتع» می باشد که به ترتیب زیر بیان می شود:

۱- عمره تمتع:

(مسأله ۱۷) در عمره تمتع شش چیز واجب است:

اول - نیت عمره تمتع.

دوم - احرام از یکی از میقاتها و در احرام سه چیز واجب است: الف - نیت؛ ب - پوشیدن دو جامه احرام که یکی را «إزار» و دیگری را «رداء» می نامند. ج - تلبیه؛ یعنی گفتن «لَبَّيْكَ» بدین نحو: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

سوم - طواف خانه خدا، به این ترتیب که با شروع از حجرالأسود هفت مرتبه دور خانه خدا بگردد و به هر دور آن یک «شوط» گفته می شود.

چهارم - نماز طواف، به این ترتیب که بعد از تمام شدن طواف واجب، پشت مقام ابراهیم (ع) دو رکعت نماز به قصد «نماز طواف» بخواند.

پنجم - سعی بین صفا و مروه؛ یعنی پس از نماز طواف بین «صفا» و «مروه» را که دو کوه معروفند سعی کند، به این صورت که از صفا شروع کند و به مروه برود و از مروه به صفا برگردد. و سعی باید هفت مرتبه باشد و هر مرتبه را یک «شوط» می گویند، به این شکل که از «صفا به مروه» یک شوط است و از «مروه به صفا» نیز یک شوط به حساب می آید، پس هفت شوط از صفا شروع و به مروه ختم می گردد.

ششم - تقصیر؛ یعنی پس از سعی به قصد قربت و با نیت خالص مقداری از ناخنهای دست یا پا و یا مقداری از موی سر یا شارب و یا ریش خود را بزنند و بهتر، بلکه احوط آن است که به زدن ناخن اکتفا نکند و مقداری از مو را نیز بزند. و تراشیدن سر و کندن مو کفایت نمی کند.

۲ - حج تمتع:

(مسأله ۱۸) واجبات حج تمتع چهارده چیز است:

اول - نیت حج تمتع.

دوم - احرام حج تمتع، که مانند احرام عمره است، جز اینکه در احرام حج باید از مکه معظمه به نیت حج تمتع محرم شود.

سوم - وقوف به عرفات؛ یعنی محرم به احرام حج در ظهر روز عرفه، نهم ذی حجه، به قصد قربت در عرفات باشد و در آنجا نیت وقوف کند. و بنا بر احتیاط از اول ظهر به عرفات برود و تا مغرب شرعی در آنجا بماند.

چهارم - وقوف به مشعر، به این ترتیب که شخص حاجی پس از انجام وقوف به عرفات هنگام مغرب شب عید به طرف «مشعرالحرام» کوچ کند، به گونه ای که نماز مغرب و عشا را در مشعر بخواند. وقوف به مشعر باید به قصد قربت انجام شود و وقت آن از طلوع فجر تا طلوع آفتاب است و بنا بر احتیاط شب دهم را نیز تا طلوع فجر به قصد قربت در مشعر به سر برد.

پنجم، ششم و هفتم - واجبات منی در روز عید قربان که عبارت است از:

الف - رمی جمره عقبه؛ یعنی انداختن هفت ریگ به آن به پیروی از حضرت ابراهیم (ع) که در این مکان شیطان را رمی کرد.

ب - قربانی و مخیر است شتر یا گاو و یا گوسفند را قربانی کند و غیر از این سه حیوان، سایر حیوانات کفایت نمی کند.

ج - تراشیدن سر و یا تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) و حاجی بین این دو مخیر می باشد، ولی زنان فقط باید تقصیر کنند. همچنین کسی که سال اول حج اوست بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را تراشد.

هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم - اعمال مکه مکرمه که به ترتیب عبارت است از: «طواف»، «نماز طواف»، «سعی بین صفا و مروه»، «طواف نساء» و «نماز طواف نساء».

سیزدهم و چهاردهم - اعمال منی در روزهای یازدهم، دوازدهم و برای بعضی سیزدهم ذی حجه که عبارت است از:

الف - بیتوته در منی؛ یعنی ماندن شب در آنجا.

ب - رمی جمرات سه گانه (اولی، وسطی و عقبه)؛ و در هر روز باید به هر یک از

جمرات سه گانه هفت ریگ بزند.

عمره مفرده

(مسأله ۱۹) از جمله مستحبات مؤکده که در روایات از آن به «حج اصغر» تعبیر شده «عمره

مفرده» است و در همه اوقات سال می‌توان آن را بجا آورد و نسبت به عمره ماه رجب تأکید بسیار شده است.

واجبات عمره مفرده که باید در آنها قصد قربت داشته باشد عبارت است از:

«نیت»، «احرام»، «طواف خانه خدا»، «نماز طواف»، «سعی بین صفا و مروه»، «تراشیدن سر یا تقصیر»، «طواف نساء» و «نماز طواف نساء».

* * *

تفصیل و احکام هر یک از موارد و احکام حج و عمره در «مناسک حج» بیان شده است.